

کیهان

تعصب نسبت به امور می تواند مثبت یا منفی، ارزشی یا ضد ارزشی باشد؛ از همین‌رو قرآن، از «حمیه جاهلیه» سخن به میان می‌آورد که در باطن در تضاد با «حمیهٔ عاقلیه» است.

بر اساس گزارش‌های قرآنی، حمیت جاهلی برخاسته از جهل عقلی و سفاکت است که می‌تواند با جهل علمی و ناآگاهی همراه باشد.

این حمیت جاهلی در رفتارهای فردی و اجتماعی آثاری را دارد که سبک زندگی انسان‌ها را می‌سازد و ضد ارزش‌ها و ضد‌هنجارها را جایگزین ارزش‌ها و هنجارها می‌سازد.

نویسنده در این مطلب حقیقت تعصب و حمیت جاهلی، عوامل و آثار آن را تبیین کرده است.

حقیقت تعصب و انواع آن

یکی از اصطلاحات قرآنی، «حمیه الجاهلیه» (فتح، آیه ۲۶) است که در فارسی از آن به «تعصبات قومی» تعبیر می‌شود. از نظر قرآن، حمیت و تعصب می‌تواند «عقلانی» یا «جاهلی» باشد که دومی ریشه در سفاکت و سبک‌مغزی افراد دارد و مذموم، حرام و گناه است، در حالی که نوع اول از تعصب نه‌تنها محبوب است، بلکه لازم و

تعصب قومسی و نژادی تا جایی انسان را کور و کر می‌کند که شخص بی‌توجه به حق و حقانیت دنبال قوم خویش می‌رود و در برابر حق و حقانیت سر فرود نمی‌آورد

ضروری است؛ چرا که مثلا انسان نسبت به سبک زندگی عقلاسی - وحیانی نه‌تنها باید حمیت و تعصب ورزد، بلکه برای دفاع از آن هیچ‌گاه کوتاه نباید و از ارزش‌های عقلانی الهی حمایت و برای دفاع از آن جان و مال و عرض خویش را بگذارد؛ زیرا این اصول ارزش‌های الهی است که حقیقت شاکله وجودی انسان را می‌سازد و او را برای زندگی بهتر در دنیا و برتر در آخرت آماده می‌کند.

بر همین اساس، وقتی از حمیت و تعصب سخن به میان می‌آید، باید توجه داشت که کدام نوع مراد و منظور است؛ زیرا نوعی ممدوح و نوعی مذموم است؛ چنان‌که امام سجّاد(ع) در بیان خویش به این نکته توجه داده و می‌فرماید: تعصبی که به سبب آن، انسانی گناهکار شمرده می‌شود این است که شخص، اشرا و بدان قوم خویش را بهتر از نیکان دیگر اقوام بداند.(الکافی، ج ۲، ۲۲۳)

بر اساس گزارش‌های قرآنی و روایی، تعصب و حمیت جاهلی، خصلتی است که فرد را در امور اجتماعی به حمایت از خویشان و اقوام خود وار می‌کند، بی‌توجه به اینکه خویشانش ظالم باشند یا مظلوم؛ زیرا برایش فرق نمی‌کند که ظالم یا مظلوم باشند و فقط دفاع از قوم خویش را واجب می‌داند؛ خواه اهل حق و مظلوم باشند و خواه اهل باطل و ظالم؛ پس اهل تعصب و حمیت جاهلی بدون توجه به حق، به امری حتی جنگ اقدام کرده و برخلاف عقل و وحی رفتار می‌کنند.

البته شخصی گرفتار در تعصب و حمیت جاهلی، در رفتارهای فردی نیز بر عناصری تاکید دارد که خاستگاه آن جاهلیت و بی‌خردی و سفاکت است؛ از همین‌رو همواره علیه حق می‌ایستند و تابع باطل و مصادیق آن است؛ در حالی که تعصب و حمیت عقلی انسان را به سوی حق و مصادیق آن می‌کشاند و هرگز تابع باطل نیست و ظلم نمی‌کند.

کسی که گرفتار تعصب جاهلی است، معیارهای عقلی و نقلی وحیانی را کنار می‌گذارد و ضد ارزش‌ها و هنجارها را به عنوان ارزش‌ها و هنجارها می‌پذیرد و زندگی خویش را بر اساس آن شکل می‌دهد و سبک زندگی جاهلی را برای خویش انتخاب می‌کند؛ در حالی که تعصب عقلانی مقتضی آن است که انسان معیارهای عقلی و نقلی را به عنوان ارزش‌های فطری و الهی بپذیرد و سبک زندگی قرآنی را انتخاب کند که عقل فطری نیز آن را می‌پذیرد.

مصادیق تعصب جاهلی

تعصب جاهلی دارای مصادیق بسیاری است که شامل تعصب حزبی، تعصب قومی و نژادی، تعصب اعتقادی و فکری، تعصب فرهنگی و مانند آنها است.

خدا به صراحت از تعصب جاهلی اهل احزاب سخن گفته و می‌فرماید: کل حزب بما لدیهم فرعون؛ هر حزبی به آنچه در نزدشان است، فرحناک هستند.(مؤمنون، آیه ۵۳) در حقیقت، احزاب و گروه‌ها گرفتار تعصب جاهلی هستند؛ زیرا هر حزبی بر اساس اهداف و روش‌های خاصی شکل می‌گیرد تا در دیگر احزاب متمایز باشند؛ این گونه است که نوعی تعصب جاهلی در این افراد شکل می‌گیرد که همواره هدف و روش حزب خویش را برتر دانسته‌و به سه دفاع از آن می‌پردازند، بی‌آنکه در آن تغفل کنند و به نقد آن بپردازند.

تعبیر به «فرح» به معنای نوعی هیجان‌زدگی افراطی در شادی و سرور نسبت به افکار و رفتار حزب خویش است که موجب می‌شود تا از هرگونه نقد بپرهیزند و نقدپذیر نباشند. این گرایش تعصب‌آمیز، به اساسنامه حزب محدود نمی‌شود، بلکه گستره آن به افراد هم حزبی نیز کشیده می‌شود و شخصی به تایید و حمایت و دفاع از هم‌حزبی می‌پردازد حتی اگر برخلاف اساسنامه عمل و رفتار کند.

تعصب قومی و نژادی تا جایی انسان را کور و کر می‌کند که شخصی بی‌توجه به حق و حقانیت دنبال قوم خویش می‌رود و در برابر حق و حقانیت سر فرود نمی‌آورد؛ از نظر قرآن، عرب‌های صدر اسلام در تعصب جاهلی قومی چنان غرق بودند که اگر قرآن به زبان غیر عربی نازل می‌شد، به سبب تعصب قومی به آن ایمان نمی‌آوردند؛ زیرا توجهی به حقانیت آن نداشتند، بلکه تنها ارزش‌های جاهلی خویش چون ارزشمندی عرب و زبانی عربی برایشان مهم بود. (فصلت، ۴۴)

به سخن دیگر، قوم عرب دارای تعصب جاهلی نژادی شدید بود به طوری که اگر قرآن به زبانی غیر عربی و بر پایه قرآن می‌گفتند که آیات آن به زبان غیر عربی نازل شده، برای ما قابل فهم تفصیلی نیست؛ زیرا از نظر آنان زبان عربی دارای «فعل» و قابلیت «تفصیل» است، در حالی که زبان غیر عربی از نظر آنان «عجم» (گنگ) است. (همان)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، علت تسمرد و عصیان ابلیس در برابر فرمان الهی برای سجده اطاعت از خلقت الهی آدم(ع)، همان تعصب جاهلی است؛ زیرا ابلیس جنی که از عصاره آتش و انرژی خلق شده، ماده خلقت خویش را به عصاره آب نژدی و نژدی خلق کرده و برخلاف عقل و وحی رفتار می‌کنند.

البته شخصی گرفتار در تعصب و حمیت جاهلی، در رفتارهای فردی نیز بر عناصری تاکید دارد که خاستگاه آن جاهلیت و بی‌خردی و سفاکت است؛ از همین‌رو همواره علیه حق می‌ایستند و تابع باطل و مصادیق آن است؛ در حالی که تعصب و حمیت عقلی انسان را به سوی حق و مصادیق آن می‌کشاند و هرگز تابع باطل نیست و ظلم نمی‌کند.

کسی که گرفتار تعصب جاهلی است، معیارهای عقلی و نقلی وحیانی را کنار می‌گذارد و ضد ارزش‌ها و هنجارها را به عنوان ارزش‌ها و هنجارها می‌پذیرد و زندگی خویش را بر اساس آن شکل می‌دهد و سبک زندگی جاهلی را برای خویش انتخاب می‌کند؛ در حالی که تعصب عقلانی مقتضی آن است که انسان معیارهای عقلی و نقلی را به عنوان ارزش‌های فطری و الهی بپذیرد و سبک زندگی قرآنی را انتخاب کند که عقل فطری نیز آن را می‌پذیرد.

برخی از مردم گرفتار تعصبات دینی - اعتقادی و فکری هستند که حتی موجب سوءاستفاده دیگران قرار می‌گیرد، مثلا فرعون از تعصبات آنان برای مقاصد خویش استفاده کرده و آنان را به جنگ با حضرت موسی(ع) و دعوت الهی و توحید دعوت می‌کند تا در برابر موسی(ع) موضع‌گیری داشته باشند.(غافر، آیه ۲۶) تعصبات آیینی در اقوام مهم‌ترین مانع در سر راه پذیرش حق و ادیان آسمانی است؛ از همین‌رو اقوام متعصب جاهلی به عقاید شرک‌آمیز خویش چنان تعصب می‌ورزند که نه تنها علیه عقاید توحیدی صف می‌بندند و با فشار و تهدید و خشونت خواهان بازگشت به سوی عقاید باطل خودشان هستند بلکه حتی برای قتل، سنگسار، آتش زدن اهل حق و دعوت‌گران به عقاید حقانی بسیج می‌شوند. (انعام، آیه ۸۰، انبیاء، آیات ۶۲ و ۶۸ عنکبوت، آیات ۱۷ و ۲۴، کهف، آیات ۱۵ و ۲۰، اعراف، آیات ۸۵ تا ۸۸)

آثار تعصب جاهلی

علت اینکه تعصب و حمیت جاهلی مذموم و گناه است، به‌خاطر آثاری است که بر آن مترتب می‌شود؛ زیرا از نظر قرآن، تعصب و حمیت جاهلی موجب اموری چون: انحراف از عدالت و حق خوری(نساء، آیه ۱۳۵، مانده، آیه ۸)، تقلید کور‌کورانه از دیگران(بقره، آیه ۱۷۰؛ مانده، آیه ۱۰۴)، حق‌ناپذیری و مقاومت در برابر هدایت رشدی و عقلی(بقره،

تعبیر به «فرح» به معنای نوعی هیجان‌زدگی افراطی در شادی و سرور نسبت به افکار و رفتار حزب خویش است که موجب می‌شود تا از هرگونه نقد بپرهیزند و نقدپذیر نباشند. این گرایش تعصب‌آمیز، به اساسنامه حزب محدود نمی‌شود، بلکه گستره آن به افراد هم حزبی نیز کشیده می‌شود و شخصی به تایید و حمایت و دفاع از هم‌حزبی می‌پردازد حتی اگر برخلاف اساسنامه عمل و رفتار کند.

تعصب قومی و نژادی تا جایی انسان را کور و کر می‌کند که شخصی بی‌توجه به حق و حقانیت دنبال قوم خویش می‌رود و در برابر حق و حقانیت سر فرود نمی‌آورد؛ از نظر قرآن، عرب‌های صدر اسلام در تعصب جاهلی قومی چنان غرق بودند که اگر قرآن به زبان غیر عربی نازل می‌شد، به سبب تعصب قومی به آن ایمان نمی‌آوردند؛ زیرا توجهی به حقانیت آن نداشتند، بلکه تنها ارزش‌های جاهلی خویش چون ارزشمندی عرب و زبانی عربی برایشان مهم بود. (فصلت، ۴۴)

فردی غیر عرب نازل می‌شد، هرگز ایمان نمی‌آوردند. البته گاه ممکن است که برای توجیه عدم ایمان‌آوری خویش به قرآن می‌گفتند که آیات آن به زبان غیر عربی نازل شده، برای ما قابل فهم تفصیلی نیست؛ زیرا از نظر آنان زبان عربی دارای «فعل» و قابلیت «تفصیل» است، در حالی که زبان غیر عربی از نظر آنان «عجم» (گنگ) است. (همان)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، علت تسمرد و عصیان ابلیس در برابر فرمان الهی برای سجده اطاعت از خلقت الهی آدم(ع)، همان تعصب جاهلی است؛ زیرا ابلیس جنی که از عصاره آتش و انرژی خلق شده، ماده خلقت خویش را به عصاره آب نژادی و نژادی خلق کرده و برخلاف عقل و وحی رفتار می‌کنند.

البته شخصی گرفتار در تعصب و حمیت جاهلی، در رفتارهای فردی نیز بر عناصری تاکید دارد که خاستگاه آن جاهلیت و بی‌خردی و سفاکت است؛ از همین‌رو همواره علیه حق می‌ایستند و تابع باطل و مصادیق آن است؛ در حالی که تعصب و حمیت عقلی انسان را به سوی حق و مصادیق آن می‌کشاند و هرگز تابع باطل نیست و ظلم نمی‌کند.

ویژگی‌های تعصب عقلانی و جاهلی

خدا در قرآن گزارش می‌کند که تعصبات جاهلی اهل کتاب و استمرار در آیین خویش بدون مقایسه و بررسی حقایق آیات قرآن، عامل کفر به پیامبر(ص) می‌شود در حالی که پیامبر(ص) نه تنها تصدیق‌کننده حقایق کتب آسمانی و شرایع ایشی پیشین است، بلکه موارد اختلافی را بر اساس معیارهای الهی که مقبول و معتبر در نزد اهل کتاب است، حل می‌کند و موارد خرافی ادعایی و نیز موارد مکتوم از سوی دین‌فروران اهل کتاب را آشکار و عقاید حق عقلانی را جایگزین می‌سازد. اما با این همه، تعصب جاهلی و اصرار بر حاکتین هر مطلب و موضوع باطل و خرافی موجب می‌شود که از پذیرش حق و حقانیت قرآنی و پیامبر(ص) سر باز زنند و حتی علیه ایشان توطئه کنند.(بقره، آیات ۱۱ و ۱۱۲ و ۱۲۰ و ۱۲۵، آل عمران، آیات ۷۲ و ۷۳)

عوامل تعصب جاهلی

تعصب و حمیت، خواه عقلانی و خواه جاهلی غیر عقلی ارتباط تنگاتنگی با ساحت «قلب» دارد؛ زیرا از نظر قرآن، نفس سلیم، بر اساس الهامات فطری، توانایی تشخیص حق و باطل و مصادیق آنها و نیز گرایش به حق و گریزش از باطل را دارد؛ از همین رو تعصب عقلانی ریشه در حق و معیارهای الهی حق دارد که با فطرت انسان آمیخته است. البته حمیت جاهلی نیز در قلب شکل می‌گیرد، اما قلبی



که مریض و بیمار است و پرده‌های جاهلیت و سفاکت بر آن کشیده شده و نور فطرت با فجور و گناه غبارآلود و دفن شده و قلب از کار کدهای اصلی و انجام مسئولیت الهی خویش محروم شده باشد، نه‌تنها گرفتار وارونگی شناختی می‌شود و جایی حق را با باطل عوض می‌کند، بلکه دچار واسازی گرایشی می‌شود و ضد ارزش و ضد هنجار را جایگزین هنجار و ارزش می‌کند و بر همین اساس «فساد» خویش را «صلاح» می‌بیند و با تمام وجود از آن یاد کرده و به دفاع و حمایت از آن می‌پردازد؛ چنان‌که کافران و مشرکان و منافقان این‌گونه هستند.(شمس، آیات ۷ تا ۱۰؛ بقره،

از مهم‌ترین آثار خطرناک عصبیت جاهلی می‌توان به انتخاب غلط و نادرستی اشاره کرد که انسان‌های جاهل بر اساس تعصبات قومی و نژادی یا فرهنگی یا حزبی، بدان و اشرا را قوم خویش را برای مدیریت و نظارت و امور دیگر انتخاب می‌کنند و آنان را در انتخابات رسمی و غیررسمی، در سطوح مختلف مدیریتی برمی‌گزینند و در جایگاهی قرار می‌دهند که لیاقت آن را ندارند، به سخن دیگر، متعصبان جاهلی بر اساس معیارهای باطل حزبی و قومی و خرافی و جاهلی، کسانی را انتخاب می‌کنند و از آنان حمایت و دفاع می‌کنند که اشرا و بدان قوم هستند که امام سجّاد(ع) از آن به عنوان بدترین یزاترب و اثر رشت تعصب جاهلی یاد می‌کند.

انتخاب هر کسی تنها بر اساس قوم‌گرایی و دیگر تعصبات جاهلی و قرار دادن در جایگاهی که شایسته آن نیست در حالی افراد شایسته دیگری وجود دارند، از مصادیق انتخاب غلط و باطل است که انسان باید پاسخگوی این انتخاب و رفتار خویش باشد. بنابراین، مسلمانان لازم است مراقب باشند که در انتخابات در سطوح مختلف مدیریتی بر اساس حق و معیارهای ارزشی و حمیت عقلانی رای داده و انتخاب کنند نه آنکه بر اساس تعصبات جاهلی قومی و زبانی و فرهنگی و مانند آن در انتخابات افراد در سطوح مختلف خرد و کلان به‌ویژه کشوری بپردازند که خشم الهی را به دنبال خواهد داشت و باید پاسخگوی رفتار خویش در دنیا و آخرت باشند.

ارتباط با امام زمان (عج) با دعا و استغاثه

۳- **دعا برای امام زمان پس از هر نماز واجب**
از امام صلوات(ع)روایت شده که این دعا پس از هر نماز واجب خوانده شود.
مضماین این دعا در مورد امام زمان (عج) است.
لَهُمَّ بِنِعِّ مُحَمَّدَ صَلَاحِ الْإِمَانِ أَتَمَّكَ كَانْ وَ حُجَّتُكَ كَانْ مِنْ مَشَارِقِ الْوُجُوهِ وَ مَقَارِبِ السَّهْلِهَا وَ جَبَلِهَا غَنَى وَ نَعْنِ الْوَالِدِ وَ غَنَ وَلَدِي وَ أَخَوَاتِي وَ التَّحِيَّةُ وَ السَّلَامُ غَذَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ نَبَّهَ عَرَشَ اللَّهِ وَ مَا أَخْصَا كِتَابَهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ الْإِلَهِي إِبْنِي أَجَدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمَ رُحُودُ رَاتِبِاطِ مَوْمِنِينَ بِإِمَامِ زَمَانٍ(ع)
دعا: نماز و زیارت‌های فرآوری که بعد از اعمال در کتاب‌هایی مانند مفتاح‌الجنان و صحیفه‌مهديه جمع‌آوری شده‌است.
مفتاح‌الجنان کتابی مشهور در موضوع دعا است که نویسنده آن شیخ عباس قمی از علما و بزرگ شیعه به‌حساب می‌آید کتاب صحیفه مهديه نیز اثر سید مرتضی متهجّدی سیستمی است که بسیاری از ادعیه و نمازها و زیارت امام زمان را جمع‌آوری کرده است.

ذکر نمازهای این اعمال در متن حاضر نمی‌گنجد بنابراین برای نمازها و ادعیه مرتبط با امام زمان(ع) فقط به چند نمونه معتبر بسنده می‌شود.

۱- **نماز هديه به امام زمان**

(از معصومان(ع) نقل شده که اگر می‌توانید علاوه بر نمازهای

یومیه، نماز دیگری بخوانید و آن را به یکی از ائمه (مثلا زمان)

هدیه کنید. این نماز مانند سایر نمازهای دو رکعتی است با این

توصیف که بعد از ذکر رکوع و سجده، در هر رکعت سه بار ذکر

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ» گفته می‌شود.

پس از سلام نماز نیز این دعا خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْوَخِيَّارِ وَ الْبَلَّغِينَ مِنْ أَفْضَلِ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكُوعَاتُ هِدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ عِبْدُكَ وَ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُطَهَّرِ النَّبِيِّ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَ أَلْبِسْهُ إِثْمًا عَنِّي وَ أَلْبِسْنِي عِلْمًا أَفْضَلَ أُمَمِي وَ رِجَالِي فِي يَوْمِ نَبِيِّكَ عَلَيَّ السَّلَامُ وَ وَصِي نَبِيِّكَ وَ الْفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ ابْنَةَ نَبِيِّكَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدِي وَ نَبِيِّكَ وَ أَوْلِيَائِكَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ ع وَ آلِ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ^(۱)

۲- **دعا برای ظهور امام زمان در قنوت نماز**

دعایی از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده که ایشان در قنوت

نمازهای خود می‌خواندند. این دعا ظهور امام زمان(ع) را با

عبارات زیر از خداوند طلب می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخْصَتِ الْأَنْبِيَارِ وَ نَقَلَتِ الْأَقْدَامُ وَ وَقَعَتِ الْأُيُودُ وَ مَتَّتِ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتَ دَعِيَّتُ بِلَالَتِنِ وَ إِلَيْكَ سُرُوبُ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَغْصَانِ رَتْنَا قَبْلَ تَبَيُّنَاتِ وَ تَبَيَّنَ قَوْمُنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا وَ كَثْرَةَ خُلُوفَاتِ وَ ظَهَارِ الْأَعْدَاءِ عَنَّا وَ وَقُوعِ الْفِتَنِ بَيْنَ قَفَرٍ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ ظَهْرِهِ وَ إِيمَانِ قَلْبِهِ نَحْنُ الْإِمْنِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^(۲)

این دعا نیز در هر نماز واجب و مستحب قرائت کرد.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

قلب انسانی به طور فطری گرایش به حمیت عقلانی دارد و بر آن است تا حقایق را بشناسد و بدان گرایش یافته و از باطل گریزان باشد؛ اما وقتی قلب انسانی به فجور و گناه گرفتار شد این توانایی و ظرفیت فطری خویش را از دست می‌دهد و گرفتار حمیت جاهلی غیرعقلانی می‌شود.

تعصب جاهلی در بستر اموری شکل می‌گیرد که فجور و گناه و بی‌تقوایی از جمله اصلی‌ترین و اساسی‌ترین آنها است. از نظر قرآن، ریشه اصلی تعصب جاهلی همان «جهل» است که منظور از آن «جهل عقلی» است؛ یعنی انسان گرفتار سفاکت شود و ناتوان از شناخت و گرایش به حق و مصادیق باطل را دارد؛ از همین رو تعصب عقلانی ریشه در حق و معیارهای الهی حق دارد که با فطرت انسان آمیخته است. البته حمیت جاهلی نیز در قلب شکل می‌گیرد، اما قلبی

بی‌گمان روحیه تکبر باطنی و رویه استکبار رفتاری(اعراف، آیات ۱۱ و ۱۲؛ صافات، آیات ۳۵ و ۳۶)، انحصارطلبی حزبی و دینی(بقره، آیه ۱۳۵، آل عمران، آیات ۷۲ و ۷۳)، سلطه‌گرایی اشraf و منافع گرایی دنیوی(ص، آیات ۵ تا ۷؛ نوح، آیات ۲۱ تا ۲۳)؛ کفر(فتح، آیه ۲۶)؛ شرک(فرقان، آیات ۲۱ و ۴۲، ص، آیات ۴ تا ۷؛ جرم و گرایش مجرمان بدان(صافات، آیات ۳۲ تا ۳۶)، اتراف متفرقان(زخرف، آیه ۲۳)، روحیه خودبرتری‌بینی ملی، قومی، نژادی، زبانی، فرهنگی، خونی و مانند آنها(بقره، آیات ۱۲۰ و ۱۲۵؛ آل عمران، آیات ۷۲ و ۷۳؛ فصلت، آیه ۲۴) و مانند آنها عامل گرایش به تعصب جاهلی است.

به هر حال، از نظر قرآن، حمیت و تعصب همواره مذموم و ناپسند و حرام و گناه نیست، بلکه زمانی ناپسند است که بر اساس جاچلیت سفینهایی باشد نه حمیت و تعصب عقلانی که بر اساس فطرت است و اصولا لازم است تا انسان بر حق و عدالت تعصب ورزد و به دفاع تمام‌دق از ارزش‌ها و هنجارهای عقلانی بپردازد که مطابق فطرت و کشفیات آن است و نقل وحیانی آن را امضا و تایید می‌کند.

انتخاب غلط اشرا و نیکان

از مهم‌ترین آثار خطرناک عصبیت جاهلی می‌توان به انتخاب غلط و نادرستی اشاره کرد که انسان‌های جاهل بر اساس تعصبات قومی و نژادی یا فرهنگی یا حزبی، بدان و اشرا را قوم خویش را برای مدیریت و نظارت و امور دیگر انتخاب می‌کنند و آنان را در انتخابات رسمی و غیررسمی، در سطوح مختلف مدیریتی برمی‌گزینند و در جایگاهی قرار می‌دهند که لیاقت آن را ندارند، به سخن دیگر، متعصبان جاهلی بر اساس معیارهای باطل حزبی و قومی و خرافی و جاهلی، کسانی را انتخاب می‌کنند و از آنان حمایت و دفاع می‌کنند که اشرا و بدان قوم هستند که امام سجّاد(ع) از آن به عنوان بدترین یزاترب و اثر رشت تعصب جاهلی یاد می‌کند. انتخاب هر کسی تنها بر اساس قوم‌گرایی و دیگر تعصبات جاهلی و قرار دادن در جایگاهی که شایسته آن نیست در حالی افراد شایسته دیگری وجود دارند، از مصادیق انتخاب غلط و باطل است که انسان باید پاسخگوی این انتخاب و رفتار خویش باشد. بنابراین، مسلمانان لازم است مراقب باشند که در انتخابات در سطوح مختلف مدیریتی بر اساس حق و معیارهای ارزشی و حمیت عقلانی رای داده و انتخاب کنند نه آنکه بر اساس تعصبات جاهلی قومی و زبانی و فرهنگی و مانند آن در انتخابات افراد در سطوح مختلف خرد و کلان به‌ویژه کشوری بپردازند که خشم الهی را به دنبال خواهد داشت و باید پاسخگوی رفتار خویش در دنیا و آخرت باشند.

در اعیادی مانند جمعه، فطر، قربان و غدیر خوانده می‌شود. همچنین می‌توان دعای اکتفا^(۱) که برای هر شب ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود را از این دست دعاهای معرفی کرد. این دعاهای نیز چون روز مشخصی دارند؛ خواندنشان در آن روز فضیلت بالایی خواهد داشت.

۵- **دعاهایی که مخصوص روز معینی نیست**

برخی از ادعیه مرتبط با امام زمان، ویژه روز مشخصی نیستند و می‌توان هر روز آنها را قرائت کرد؛ برای نمونه می‌توان به دعای عهد^(۲) اشاره کرد که صبح‌ها خوانده می‌شود و بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است. دعای غریق نیز نیایشی است که قرآن از مسافرین شده‌است. این دعا از امام صادق(علی‌ه‌السلام) روایت شده و ایشان فرمودند که خواندن آن موجب نجات انسان از سیهات در موقعی که افراد بدون امام و راهنما هستند خواهد شد. متن این دعا چنین است:
اللَّهُ يَا زَحْمَانُ يَا رَحِيمَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ^(۳)

همچنین از این امام زور روایت گردیده که به یکی از اصحاب خود به نام زراره، سفارش کرد تا این دعا را در زمان نیت امام عصر بخواند:
«اللَّهُمَّ عَزِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمْ تَعَزِّفُنِي نَفْسَكَ لَمْ أَفْعَلْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَزِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمْ تَعَزِّفُنِي رَسُولَكَ لَمْ أَفْعَلْ حَتَّجْتُكَ اللَّهُمَّ عَزِّفْنِي حَتَّجْتُكَ فَإِنَّكَ إِنَّمْ تَعَزِّفُنِي حَتَّجْتُكَ صَلَّلْتُ عَنْ دِينِي»^(۴)

برای این دعاهای تعداد از این ادعیه بهتر بگیرند.

مؤمنان می‌توانند در حد توان از این ادعیه بهره بگیرند.

۶- **زیارت امام زمان(ع)**

برای زیارت امام زمان نیز زیارت‌نامه‌های زیادی وجود دارد. از بهترین زیاراتی که می‌توان برای ایشان قرائت کرد، زیارت آل‌یاسین^(۱) است. برای این زیارت‌نامه نیز تعداد مشخصی لحاظ نشده است.

۱. سید ابن طلوس، علی بن موسی، جمال الأسبوع، قم: دار الرضی، ۱۳۳۰. ص ۱۷.
۲. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح (ط - القدیمه)، بیروت: نشر دار الاضواء، ۱۴۰۵. ص ۱۰۸.
۳. کفعمنی، رابع‌الحسن علی‌البندالبن‌ابیر، مؤسسه‌الاعلی‌المطبوعات، ۱۴۱۸. ص ۵۵۲.
۴. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱. ج ۱، ص ۷۸۷.
۵. ابن مشکی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، محقق و مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹. ص ۵۲۴.
۶. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۰۲. ص ۱۰۸.
۷. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱. ج ۱، ص ۲۲۷.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: انتشارات ۱۳۹۵. ج ۲، ص ۳۵۲.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد تهران، اسلامیه، ۱۴۰۷. ج ۱، ص ۳۲۷.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، (الاحتجاج (طبرسی)، محقق / مصحح: خراسان، باقر، قم: مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۲. ج ۲، ص ۴۹۲.

✽ **مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی**

صفحه ۷

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۴

۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۵۲



چراغ راه

علم حقیقی همان نور الهی در قلب‌ها است

قال الامام الصادق(ع): «لیس العلم بکثرة التعلّم و التعلیم، و انما هو نور یقذفه الله فی قلب من یشاء من عباده»

امام صادق(ع) فرمود: علم به زیادی تعلّم و تعلیم نیست، بلکه آن نوری است که خداوند متعال آن را در قلب هر کس از بندگانش که بخواهد اضافه می‌کند.^(۱)

۱- قرطامیون، ملامحسن فیض کاشانی، ص ۴۳۸

حکایت خوبان

پاسخ حکیمانه امام علی(ع)

به سؤال اسقف مسیحیان: خدا کیجاست؟

در زمان خلافت ابوبکر، گروهی از مسیحیان به سرپرستی اسقف و عالم بلند پایه خود به مدینه آمدند و جوابی خلیفه رسول خدا(ص) شدند. مردم ابوبکر را معرفی کردند. آنها‌نزد ابوبکر رفته و سوآلاتی را مطرح نمودند. ابوبکر آنها را به محضر امام علی(ع) فرستاد. یکی از سوآلاتشان از آن حضرت این بود: خدا کیجاست؟ امام اتشّی افروخت و سپس از آنها پرسید: صورت این آتش کیجاست؟ دانشمند مسیحی گفت: همه اطراف آتش روی آن حضرت می‌شود، پشت و رو ندارد. امام فرمود: وقتی که برای آتشی که مصنوع است؛ روی خاصی نیست آفریدگار آن که هیچ‌گونه شبیهی ندارد، بالاتر از آن است که پشت و رو داشته باشد، مشرق و مغرب از آن خداست، به هر سو رو کنی، همان سو روی خداست و چیزی بر او پوشیده نیست.^(۲)

۱- قضاوت‌های امیرالمومنین(ع)، علامه محمدتقی شوشتری(ره)، ص ۹۶

پرسش و پاسخ

تفسیر آیه «الله نور السموات والارض»

پرسش:
اینکه خداوند در این آیه شریفه خود را نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند به چه معنا است و مقصود خدای متعال از توصیف خود به نور چیست؟
پاسخ:
طرح دیدگاه‌ها

یکی از آیات قرآن کریم که توجه اندیشمندان، فلاسفه و مفسران مسلمان را به خود جلب کرده است، آیه ۳۵ سوره نور است، که برخی از مفسران با استفاده از منابع حدیثی و برخی دیگر با استفاده از سایر منابع همچون منابع عقلی و فلسفی به تفسیر آن پرداخته‌اند. در این میان ملاصدرا(ره) و علامه طباطبایی(ره) و چند تن دیگر بیانی فلسفی برای آن ارائه داده و آن را براساس «حکمت‌متعالیه» یا برهان صدیقین تبیین کرده‌اند. این برهان یکی از قوی‌ترین براین اثبات صانع از طریق ذات خدا و بدون استفاده از واسطه یا معلول می‌باشد و از طریق وجود سلسله مراتب و شدت و ضعف وجود حقیقت مطلق وجود خداوند و نور بودن آن را ثابت می‌کند، و از میان نور حسی و نور معرفتی فقط نور وجودی را قبول می‌کنند که آن دو را هم در بر دارد.

دیدگاه مفسران

گروهی از مفسران کلمه نور را در این آیه شریفه «الله نورالسموات والارض» به معنی هدایت‌کننده و بعضی به معنی روشن‌کننده و برخی دیگر به معنی زینت‌بخش تفسیر کرده‌اند. در قرآن کریم و روایات اسلامی از چند چیز به عنوان نور یاد شده است:

۱- **قرآن مجید**

خداوند در آیه ۱۵ سوره مائده می‌فرماید: از سوی خداوند نور و کتاب آشکاری برای شما آمد. و در آیه ۱۵۷ سوره اعراف نیز می‌فرماید: کسانی که پیروی از نوری می‌کنند که با پیامبر(ص) نازل شده است، آنها رستگارانند.

۲- **ایمان**

خداوند در آیه ۲۵۷ سوره بقره می‌فرماید: خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنها را از ظلمت‌های (شرک و کفر) به سوی نور (ایمان) رهبری می‌کند.

۳- **هدایت الهی و روشن‌بینی**

خداوند در آیه ۱۲۲ سوره انعام می‌فرماید: آیا کسی که مرده بود و مسا او را زنده کردیم و نور هدایتی برای او قرار دادیم که در پرتو آن بتواند در میان مردم راه بردد همانند کسی است که در تاریکی باشد و هرگز از آن خارج نگردد.